

بررسی مفهوم جامعه مدنی و نسبت بهره‌مندی انسان‌ها از حقوق اجتماعی در نظر علامه مصباح یزدی

# جامعه مدنی اسلام راه کافر را بر مؤمن می‌بندد



حضور و مشارکت مردم در امور کشور از جمله آرمان‌هایی است که همواره ملت‌ها آن را دنبال کرده‌اند و از مآل‌ها و معیارهای جامعه مدنی به حساب آورده‌اند. آن دسته از اندیشمندانی که غالباً از پایگاه اندیشه‌ای راست به نظام‌های «دولت-ملت» بوده و جامعه مدنی را در چنین نظام‌هایی دنبال می‌کنند عمدتاً معتقدند تنها مآلک برای بهره‌مندی از حقوق اجتماعی در یک نظام، ملیت اقصاد بوده و سایر موارد همچون اعتقادات دینی نمی‌توانند مآلکی برای تفکیک و درجه‌بندی انسان‌ها به حساب آید. از همین منظر آنها نظام اسلامی را به درجه دوم به حساب آوردن شهروندان غیرمسلمان متهم می‌کنند. در آنچه پیش رو دارید به بررسی نظر نگاه آیت‌الله مصباح یزدی به مفهوم جامعه مدنی و مآلک و معیار بهره‌مندی افراد یک جامعه از حقوق اجتماعی اشاره خواهیم کرد. در این متن به جلسه بیست‌وششم از جلد ششم مجموعه آثار آیت‌الله مصباح یزدی تحت عنوان «نظریه سیاسی اسلام» اتکا داریم.



در اسلام، جامعه مدنی‌ای که در آن کافر و مسلمان در بر خورداری از همه حقوق و احراز همه مقام‌ها و فرصت دستیابی به همه مناصب یکسان‌اند، قابل پذیرش نیست و به همین جهت باید در قانون اساسی برای احراز برخی از مقامات شرایطی خاص در نظر گرفت

و دینی و رواج فرهنگ سودپرستانه غربی در بین مردم. در توضیح مورد اول ایشان به تمثیلی از تأمین روشنائی شهر اشاره دارند که در گذشته با

آویختن تعدادی فانوس در کوچه‌ها و خیابان‌ها این نیاز بر طرف می‌شد اما امروزه به دلیل استفاده از برق و نیاز به نصب دکل‌ها، تیر برق ... خود مردم به تنهایی نمی‌توانند این نیاز را برطرف سازند و لازم است دولت امکانات لازم را فراهم سازد. در شرح عامل دوم یعنی رواج فرهنگ سودپرستانه غربی، آیت‌الله مصباح این فرهنگ را در واقع از آن جهت که موجب خدایندگی و رفع نیازهای دیگران شانه می‌شود مردم از زیر بار فعالیت‌های اجتماعی خالی‌کنند، مانع مسئولیت مردمی می‌داند. ایشان با استناد به آنکه محور فرهنگ غربی سودپرستی، در فگرایی و مسئولیت‌گریزی است، رواج این فرهنگ را موجب کور شدن انگیزه‌های معنوی و اخلاقی مسلمانان دانسته که به تبع انسان را در برابر هم نوع خود بی‌تفاوت می‌کند. به عنوان مثال ایشان وقف

را یکی از عوامل مشارکت اجتماعی مسلمانان در اداره امور جامعه بیان می‌کنند که فرهنگ غربی موجب شده است در سال‌های اخیر از اقبال به این سنت حسنه کاسته شود. آیت‌الله مصباح اعتقاد دارد این مصادیق که کم هم نیستند در کنار هم روح مدنی‌تاری را که در جامعه اسلامی وجود داشته، ضعیف کرده و در نتیجه تکلیف دولت را مضاعف و بار مسئولیت او در اداره جامعه را سنگین‌تر خواهد کرد؛ به همین جهت ایشان یکی از عوامل افزایش دهنده مشارکت مردم در اداره امور کشور و کاهش مسئولیت‌های دولت را احیای ارزش‌های انسانی و اسلامی می‌دانند.

قانون اساسی برای احراز برخی از مقامات شرایطی خاص در نظر گرفت. در چه‌بندی انسان‌ها از منظر اسلام همان‌طور که ذکر شد، از نظر نگاه آیت‌الله مصباح، اسلام اجازه نمی‌دهد در جامعه اسلامی کافران بر مسلمانان مسلط شوند و ایشان با صراحت اعلام می‌کند که این حکم از ترس شعارها و اتهاماتی چون «درجه ۲ سم‌های دولتی و حکومتی وجود دارد که این به یک مذهب الحادّی و منحرف و وابسته می‌انجامد. ایشان در طرح نظر اسلام، مبنا را بر حدی از اختلاف میان شهروندان گذاشته و با استناد به آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» معتقدند که در اسلام، جامعه مدنی‌ای که در آن کافر و مسلمان در برخورداری از همه حقوق و احراز همه مقام‌ها و فرصت دستیابی به همه مناصب یکسان‌اند، قابل پذیرش نیست و به همین جهت باید در

## روزنه

شهید مطهری:

## چگونه مکاتب ماتریالیستی جوان امروز را جذب می‌کنند؟!

می‌کند. آیا این گناه است؟ خیر، گناه نیست بلکه خود این احساس پیامی الهی است. اگر این احساس نبود معلوم می‌شد ما محکوم به عذاب و بدبختی هستیم. حالا که این احساس پیدا شده نشانه این است که خداوند می‌خواهد ما را از این بدبختی نجات بدهد. در قدیم سطح فکر مردم پایین بود، کمتر در مردم شک و تردید و سؤال پیدا می‌شد، حالا بیشتر پیدا می‌شود. طبیعی است وقتی که فکر، کمی بالا آمد سؤالاتی برایش طرح می‌شود که قبلاً مطرح نبود. باید شک و تردیدش را رفع کرد و به سؤالات و احتیاجات فکری‌اش پاسخ گفت. نمی‌شود به او گفت برگرد به حالت عوام، بلکه این خود زمینه مناسبی است برای آشنا شدن مردم با حقایق و معارف اسلامی. با یک جاهل بی‌سواد که نمی‌شود حقیقتی را به میان گذاشت. بنابراین در هدایت و رهبری نسل قدیم که سطح فکرش پایین‌تر بود ما احتیاج داشتیم به یک طرز خاص بیان و تبلیغ و یک جور کتاب‌ها. اما امروز آن طرز بیان و آن طرز کتاب‌ها به درد نمی‌خورد، باید و لازم است قرم و اصلاح عمیقی در این قسمت‌ها به عمل آید، باید با منطق روز و زبان روز و افکار روز آشنا شد و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت. نسل قدیم این قدر سطح فکرش پایین بود که اگر یک نفر در یک مجلس ضد و نقیض حرف می‌زد کسی متوجه نمی‌شد و اعتراض نمی‌کرد اما امروز یک بچه که تا حدود کلاس ۱۰ و ۱۲ درس خوانده همین که برود پای منبر یک واعظ، پنج، شش تا و گاهی ۱۰ تا ایراد به نظرش می‌رسد. باید متوجه افکار او بود و نمی‌شود گفت خفه شو، فضولی نکن... اتفاقاً دیگران از راه شناختن در این نسل، آنها را منحرف کرده‌اند و از آنها استفاده کرده‌اند. مکتب‌های ماتریالیستی که در همین کشور به وجود آمد و اشخاصی فداکار درست کرد برای مقاصد الحادّی، از چه راه کرده‌اند؟ همین راه می‌دانست که این نسل احتیاج دارد به یک مکتب فکری که به سؤالاتش پاسخ بدهد، یک مکتب فکری به او عرضه کرد. می‌دانست که این نسل یک سلسله آرمان‌های اجتماعی بزرگی دارد و در صدد تحقق دادن به آنهاست؛ خود را با آن آرمان‌ها هماهنگ نشان داد. در نتیجه افراد زیادی را دور خود جمع کرد با چه فداکاری و صمیمیتی!



هم بسته بود. کسی از بیرون خبر نداشت، در شهر خود که بود! شهر دیگر خبر نداشت، در مملکت خود که بود! مملکت دیگر خبر نداشت. امروز این درها و پنجره‌ها باز شده، دنیا را می‌بینند که رو به پیشرفت است، علم‌های دنیا را می‌بینند، قدرت‌های اقتصادی دنیا را می‌بینند، دموکراسی‌های دنیا را می‌بینند، برابری‌ها را می‌بینند، حرکت‌ها را می‌بینند، قیام‌ها و انقلاب‌ها را می‌بینند، جوان است، احساسش عالی است، و حق هم دارد، می‌گوید ما چرا باید عقب‌مانده‌تر باشیم...؟ دنیا این طور چهار اسنجه به طرف استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و عزت و شوکت و حرمت و آزادی می‌رود و ما همین جور خواب باشیم، یا از دور تماشا کنیم و خمیازه بکشیم؟! نسل قدیم این چیزها را نمی‌فهمید و درک نمی‌کرد. نسل جدید حق دارد بگوید چرا این بت‌پرست و ایران مسلمان در یک سال و یک وقت به فکر افتادند که تمدن و صنعت جدید را اقتباس کنند و زاین رسید به آنجا که با خود غرب رقابت می‌کند و ایران در این حسادت که می‌بینیم؟! ما ولیلی همسفر بودیم اندر راه عشق او به مطلب‌ها رسید و ما هنوز آوارایم آیا نسل جدید حق دارد این سؤال را بکشد یا نه؟ نسل قدیم سنگینی بار تسلط‌های خارجی را روی دوش خود احساس نمی‌کرد، و نسل جدید احساس

## حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک‌زایی:

## منطق اسلام در حمایت از مظلومان خطی نیست

هستند و حتی برخی از افرادی که به کانون‌های افراطی منطقه پیوسته بودند از همین کانون‌ها تقسیم می‌شدند. یا آنچه در چنین اتفاق افتاد تا بتوانیم میان مظلوم، محروم، مستضعف و تروریسم تفکیک قائل شویم. حالا نمی‌خواهم بگویم آنچه در چین رخ می‌دهد مثلاً متعلق به جریانات تروریستی و افراطی در جهان اسلام است اما باید حواسمان باشد از این گروه‌ها در آن مناطق ایستادید؟ پس همیشه یک فرض ثابت نیست و گاهی شرایط خیلی پیچیده است که نیاز به شناخت و بررسی‌های عمیق و دقیق دارد تا بتوانیم میان مظلوم، محروم، مستضعف و تروریسم تفکیک قائل شویم. حالا نمی‌خواهم بگویم آنچه در چین رخ می‌دهد مثلاً متعلق به جریانات تروریستی و افراطی در جهان اسلام است اما باید حواسمان باشد از این گروه‌ها در آن مناطق ایستادید؟ پس همیشه یک فرض ثابت نیست و گاهی شرایط خیلی پیچیده است که نیاز به شناخت و بررسی‌های عمیق و دقیق دارد



ما رو در روی داعش ایستادیم و با آن جنگیدیم در حالی که داعش خودش را مسلمان می‌دانست؛ حالا کسی بپرسد پس چرا شما در برابر مسلمانان ایستادید؟ پس همیشه یک فرض ثابت نیست و گاهی شرایط خیلی پیچیده است که نیاز به شناخت و بررسی‌های عمیق و دقیق دارد

## فانوس

حجت‌الاسلام نجف لک‌زایی طی برنامه‌ای در رادیو معارف در پاسخ به پرسش یکی از شنوندگان که پرسیده بود: «یا انقلاب اسلامی در حمایت از جنبش‌های اسلامی و مستضعفان جهان تبعیض قائل می‌شود؟» توضیح داد: بخشی از داوری‌هایی که گاهی صورت می‌گیرد به خاطر فقدان اطلاعاتی است که ما داریم. آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن تصریح شده و آموزه‌های اسلامی و قانون اساسی و ارزش‌های ملت ایران ما خودمان را در کنار آنها می‌دانیم. این فرمایش امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به حسنین(ع) است که «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛ شما دشمن مستمکاران باشید و کمک حال مظلومان» این اصل اول که خیلی هم واضح است.

اصل دوم این است که وقتی ما متوجه می‌شویم در جایی به فردی ظلم می‌شود چه اقدام عملی‌ای می‌توانیم انجام دهیم. این بازمی‌گردد به مقدرات ما. بر اساس مبانی اسلامی که «لا یكلف الله» را داریم حمایت و دفاع از مظلومان و محرومان و مستضعفان مربوط به این می‌شود که مقدرات ما چقدر است. ببینید مثلاً امریکا به ونزوئلا ظلم می‌کند. ما هم طرفدار دولت ونزوئلا هستیم چون این دولت در برابر ظلم و سلطه ایستاده است. حالا ما چه اقدامی می‌توانیم انجام دهیم؟ محدودیت داریم دیگر! قصه ونزوئلا را مثال زدم که ابهامی در آن نیست.

اما گاهی هم ما اطلاعات ناقصی داریم. مثلاً ما رودر روی داعش ایستادیم و با آن جنگیدیم در حالی که داعش خودش را مسلمان می‌دانست؛ حالا کسی بپرسد پس چرا شما در برابر مسلمانان